



سومین همایش ملی

بانوی که راه اسلام را

بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد



ISC
International Science Center

CIVILICA

SID

زندگی و سیره حضرت خدیجه (س) به عنوان الگوی سبک زندگی دینی

محمد مهدی آقایی میبدی^۱

چکیده

سبک زندگی اسلامی، نوعی روش خاص زندگی است که نتیجه تربیت بر بنیاد آموزه‌های مکتب اسلام است. معادل این واژه در فرهنگ اسلامی، «سیره» است که مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار و حالات و سلیقه‌ها را در بر می‌گیرد. تعالیم اسلام، دستورالعمل کلی به منظور وصول به سبک زندگی اسلامی ارائه کرده است. با سیر در زندگی حضرت خدیجه (س)، شیوه چگونگی زیستن به سبک مطلوب دینی و سلوک بر این مسیر هدفمند و منتج به عالم رستگاری در صور متنوع پیش چشم جوینده نمایانده می‌شود. حضرت خدیجه (س) بانوی بزرگ اسلام از جمله بانوانی است که نقش کلیدی و شخصیت والای زن در زمینه‌های گوناگون تاریخ بوده و حقیقتاً می‌تواند به عنوان الگو برای جامعه مردان و زنان معرفی شود. این پژوهش با رویکرد کیفی و به روش توصیفی تحلیلی با بررسی متون اسلامی به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. نتایج پژوهش بیانگر این است در زندگی بانوی نمونه اسلام بر نکات علمی و اخلاقی ظریفی تأکید شده است که می‌توان از آن الگو گرفت. این مقاله پس از تعریفی که از سبک اسلامی ارائه داده، به بیان سبک زندگی در زندگی حضرت خدیجه (س) پرداخته است.

واژگان کلیدی: حضرت خدیجه (س)، سبک زندگی، اسلام، انسان.

^۱. مربی پرورشی آموزش و پرورش میبد، fpahlavan@gmail.com

۱. مقدمه

در دهکده جهانی معاصر، سبک‌ها و شیوه‌های متعددی برای زندگی مطابق با ادیان، علوم، سلاطین، آداب و رسوم و فرهنگ‌های مختلف در جوامع وجود دارد. محققان تعاریف گوناگونی براساس بینش و نگرش خود ارائه داده‌اند. جامعه‌شناسان در تعاریف جامعه‌شناسانه خود بیشتر برهنجارها و منش‌های اجتماعی فرد در جامعه تأکید دارند و روان‌شناسان بیشتر به بعد فردی و شخصیتی می‌پردازند ولی آنچه مهم است این تعاریف تک بعدی هستند. یکی از عوامل مهمی که پرداختن به سبک زندگی اسلامی را ضرورت می‌بخشد، ظهور نا کارآمدی تمدن مادی و یأس بشر از این تمدن و سبک زندگی برآمده از آن و گرایش به معنویت است. ناگفته پیداست تضادی جدی بین فرهنگ غرب و فرهنگ اسلامی وجود دارد و تعریفی که فرهنگ اسلامی از زندگی و خوب و بد بودن آن براساس آخرت‌گرایی و نقش مزرعه آخرت بودن و زندگی دنیوی برای زندگی اخروی که هدف اصلی و زندگی واقعی برایمان دارد درست در نقطه مقابل فرهنگ غربی است که بر مبنای مکتب اومانیزم و لذت‌گرایی و هدف غایی بودن زندگی دنیوی استوار است. تمدن غرب نه تنها نتوانست سعادت، رفاه و کرامت را برای بشریت به ارمغان آورد، بلکه منشأ مشکلات و نابسامانی‌های زیادی در ابعاد مختلف روحی و رفتاری و ذهنی شده است. سبک زندگی برآمده از تمدن غرب بر پایه ستیز با معنویت بنا نهاده شده و از این رو تمام ابعاد آن همگی قربانی حذف معنویت و بی‌اعتنایی به ارزشهای دینی شده است.

با بررسی تاریخ اسلام در می‌یابیم که اسلام در جایی متولد شد که تعلیم و تربیت، مسائل مربوط به کتابت، نوشتار و مراکز علمی و پژوهشی مطرح نبود. در چنین فضایی اسلام با کتاب بزرگ قرآن که «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (اسراء / ۹)؛ این قرآن به درست‌ترین آیینها راه می‌نماید و مؤمنانی را که کارهای شایسته به جای می‌آورند بشارت می‌دهد که از مزدی کرامند برخوردار خواهند شد. متولد شد و در آن فضای خاص، تمدنی بزرگ آفرید. دین مبین اسلام به عنوان یک دین جامع و پیشرو، الگو و سبک خاص و ویژه‌ای در همه حوزه‌ها دارد که باید مورد توجه و تبیین خانواده و در یک کلام اجتماع اسلامی قرار گیرد و به کار بستن دستورهای قرآن و بهره‌مندی از آنها به رشد این فضایل در اجتماع کمک می‌کند.

۲. پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه پژوهش مشخص شده است مطالعات متعددی با رویکرد تحلیل ابعاد شناسایی مسئولیت پذیری در سبک زندگی اسلامی (سبحانی نژاد و نجفی، ۱۳۹۳: ۱۷۰-۱۵۰)، همچنین مطالعه سبک زندگی ائمه و پیامبر در مواجهه با دیگران (فقیهی، نجفی، ۱۳۹۴: ۱۵۸-۱۳۸) یا درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات (شریعتی، ۱۳۹۲: ۱۰-۲) انجام شده است. این پژوهش در پی آن است که با توجه به روش کتابخانه‌ای و با کمک فیش برداری از متون و مبانی نظری به برخی از آموزه‌های سبک زندگی در زندگی حضرت خدیجه (س) بپردازد.

۳. بحث و بررسی: سبک زندگی نظام واره خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. الگو شناسی براساس نیاز و متناسب با شرایط زندگی و ایده‌ها و آرمانهای انسانی صورت می‌گیرد. به یقین هرگاه فردی واجد ویژگیهای فردی و اجتماعی شاخص باشد، انسانها منش و روش وی را فراخور خود قرار داده و از آن بهره می‌برند. مکتب انسان ساز اسلام همواره چهره‌های سرشناس و درخشانی از زنان مسلمان را الگوی جامعه قرار داده است که هر یک با بذل جان و مال و هستی خویش در پاسداری از دین خدا و رسولش حماسه آفرین بوده اند.

با سیر در زندگی حضرت خدیجه (س) در می‌یابیم برای هر رفتاری در زندگی راه و رسم مطابق با دین مبین اسلام پیش روی ما قرار داده شده که با مراجعه و مطالعه زندگی آنها به شناخت راه درست زندگی نائل شویم.

۳. ۱. مروری بر زندگی حضرت خدیجه

حضرت خدیجه در خانه «خویلد بن قصى» و «فاطمه دختر زائده عامری» که هر دو از نوادگان «ابراهیم خلیل» و «اسماعیل ذبیح الله» بودند به دنیا آمد (بغدادی، بی تا: ۷۹-۷۷) این مولود پرشگون که در انجیل «مبارکه» لقب یافته بود (شیخ صدوق، ۱۳۷۶: ۲۷۱) از آغاز نیز شگفتی ساز بود؛ چرا که شش ماهه به دنیا آمد و به همین دلیل خدیجه نام گرفت (ابن درید، ۱۹۸۷م: ج ۱: ۴۴۳) خدیجه برترین همسر پیامبر و تنها همسری است که از حیث نسب در قریشی بودن او تردیدی نیست. قبیله قریش به دلیل آشنایی به سنن و مناسک ابراهیمی و ویژگیهای چون پرهیز از ازدواج با محارم و ستم نکردن به دیگران، قوم بر گزیده الهی

بودند (این حبیب بغدادی، ۱۴۰۵: ۲۱) یکی از دلایل ازدواج پیامبر با خدیجه (س)، نیز اصالت خانوادگی و قرابت نزدیک با ایشان بوده است (قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۴۰-۱۳۹).

اجداد پیامبر همه از یکتاپرستان بوده اند. از آنجا که پیامبر و خدیجه در جد اعلائی خود مشترکند تردیدی در ایمان آنان وجود ندارد. افزون بر اینکه به یکتاپرست بودن جد، پدر و عموی ایشان تصریح شده است. جد ایشان از یکتاپرستان بزرگ دوران خود بود (ابن حجر ۱۴۰۴ق، ج ۷: ۱۲۵).

«خویند» داناترین مردم به علم انبیای پیشین و از یکتاپرستان غیور بود که به پشتوانه جایگاه اجتماعی خود، مانع هتک حرمت مسجدالحرام توسط تبع، پادشاه یمن، شد (مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۷: ۱۷۶-۱۷۵). عموی خدیجه، ورقه بن نوفل به زبان عبری و سریانی آگاهی داشت، صحف ابراهیم، تورات موسی، انجیل عیسی و زبور داوود را خوانده و ویژگیهای پیامبر را می شناخت. او و بحیرا داناترین افراد به ویژگیهای پیامبر بودند (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۷۳) مادر خدیجه، «فاطمه دختر زائده» از فواطم قریش (بافضیلت‌ترین زنان «فاطمه») نام بود که انتساب به آنان مایه مباهات پیامبر و اهل بیت بوده است (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۵۳۲). دایی حضرت خدیجه «عبدالله بن زائده» مشهور به «ابن ام مکتوم» اولین مهاجر مدینه پیش از هجرت پیامبر و مسلمانان به آن شهر است که برای تبلیغ اسلام راهی یثرب شد و پس از هجرت پیامبر موذن پیامبر و امام جماعت مسلمین در جنگها بوده است (ابن قتیبه، بی تا: ۲۹۰). بررسی نقش خدیجه در پیش برد اسلام، نیازمند شناخت شخصیت و زندگی ایشان می باشد. حضرت خدیجه دختر «خویند» بود وی از چهره‌های برجسته شعور و خرد، شهامت و شجاعت، استبداد ناپذیری و آزادی خواهی به شمار می رفت.

تاریخ جهان عرب، به ویژه مکه شهامت و ایستادگی دلیرانه و شجاعانه او در برابر شاهان فزونخواه و انحصارگر «یمن» را هرگز فراموش نخواهد کرد؛ چرا که در آن روزگار، یکی از استبدادگران جهان عرب که بر «یمن» حکومت می راند بر آن شد تا مکه را تسخیر کند. از تاریخ و روایات رسیده چنین دریافت می گردد که وقتی «خویند» پدر شجاع بانوی خردمند جهان عرب از نقشه تجاوز کارانه پادشاه «یمن» آگاه شد از سویی دلیرانه نزد او رفت و با او به گفت و گو نشست و به او هشدار داد که مبادا به چنین کاری

دست یازد که مورد خشم خدا قرار خواهد گرفت؛ چرا که پروردگار کعبه، از آن دفاع خواهد کرد و متجاوز و بیداد پیشه را به کیفر بیدادش، به لعنت و بدنامی ابدی گرفتار خواهد ساخت و از دگر سو بزرگان قریش چهره‌های با نفوذ منطقه را فرا خواند و با تشکیل شورای امنیت ملی با آنان به مشورت و رایزنی پرداخت که برای مقاومت در برابر تجاوز و اشغال چه باید کرد؟ و سرانجام در برابر آن قدرت خشن و استبداد پیشه و اشغالگر به پا خاست و خروشید. از پی آن شمشیر را برگرفت و به میدان گام نهاد و از پی او «قریش» و دیگران برای دفاع به میدان آمدند (کربلایی، بی تا: ۹) بدین سان با درایت و فرصت سازی و شهامت تحسین برانگیز خویش، بذر مقاومت و ایستادگی در برابر اشغالگر را در دل‌ها افشاند و با روشنگری و تلاش آبیاری نمود و به میوه نشانند و جلو تجاوز و بیداد را گرفت. این بزرگمرد شجاعت و فضیلت، پدر خدیجه بود و شهامت و دراین، دین داری و آزادگی، ذوق و ابتکار و رفتار آزادمنشانه و مشارکت جویانه او در مدیریت و ساماندهی دفاع ملی در دنیای وجود آن بانوی شهامت جریان داشت.

مام ارجمند آن حضرت نیز چهره برجسته و نمونه زن درست اندیش و پاک منش جامعه و روزگار خویش است. او که «فاطمه» نام داشت در یکی از اصیل ترین خانه‌ها و خاندان عرب از نظر حسب و نسب و بهره وری از ثروت و امکانات زندگی و رشد فرهنگی و انسانی و اخلاقی دیده به جهان گشود و در کنار پدر و مادر نیک اندیش و آبرومند پرورش یافت. از ویژگی‌های مادر خدیجه این بود که در آن شرایط سخت زندگی که زنان و دختران در خانه‌های ثروتمند و صاحب قدرت و امکانات غرق در زرق و برق در کمند هوا و هوس و در اسارت پرستش‌های ذلت بار و خرافی بودند او از سویی از ارزش‌های منفی و ناپسند و اسارت بار و فرصت سوز اعلام بیزاری کرده بود و دل و دامن و اندیشه و رفتار را پاک می‌داشت و از دگر سو دنیای وجود خود را به ارزشها آراسته می‌ساخت و به دین و آیین پدران توحیدگرا و عدالتخواه خویش، حضرت ابراهیم و اسماعیل ایمان داشت (همان: ۱۰) هنگامی که در تاریخ و روایات رسیده در مورد بانوی خردمند حجاز به پژوهش می‌پردازیم به این حقیقت می‌رسیم که افزون بر نیاکان گران قدر و مادرش دیگر نزدیکان و اطرافیان او نیز بیشتر چهره‌های دانش و خرد، درایت و شهامت و صاحب ابتکار و مدیریت در جامعه و روزگار خویش بودند. «ورقه» فرزند «نوفل» عموی دانشمند و خدا

جوی «خدیجه» بود او کانون بت پرستی و واپسگرایی و مرکز خشونت و فخر فروشی را پشت سر گذاشت. وی از معنویتی ممتاز بهره مند بود و در شمار قدیسان قرار داشت و از ظهور پیامبر خاتم نیز آگاه بود (کرمی فریدنی، ۱۳۸۳: ۹۵) حضرت خدیجه برادر زاده‌ای به نام «حکیم» داشت که از سوی سرآمد ثروتمندان و نامداران عرب بود و از دگر سو، با وجود آن ثروت بسیار و نفوذ فراوان و مدیریت قوی، نه تنها به سان دیگران به تباهی و بیداد نعلتیده بود که در شاهراه کمال و درستی گام می‌سپرد و در اندیشه حق و عدالت گام بر می‌داشت. او هوشمندی و مدیریت خویش را در داد و ستد و تجارت هزینه می‌کرد و کاروان‌های بازرگانی او همواره میان شام و حجاز و شهرهای شبه جزیره عربستان و ایران در رفت و آمد بود و از این راه در آمدی سرشار به حساب او واریز می‌شد اما او به جای گنجینه ساختن و انحصار امکانات و مستی ثروت، جز بخشی از آن در آمد هنگفت همه را در راه محرومان و پذیرایی از مهمانان هزینه می‌کرد و به همین دلیل هم دل‌های بسیاری در جهان عرب در گرو مهر او بود. تاریخ نشانگر آن است که یکی از چهره‌هایی که خدیجه در زندگی خویش از آن بسیار اثر گرفته و روش و منش و مدیریت را از او اقتباس کرده بود همین برادر زاده‌ای خردمند و تدبیرگر و درست اندیشش «حکیم» بود. موضع‌گیری دلیرانه و کارساز خدیجه در حمایت از آیین جدید و در دفاع از حقوق و آزادی و امنیت آورنده بزرگ آن در آن توفان جهل و جنون و انگیزش تعصب و دنباله روی خشونت از سوی استبداد گران، گام بلند دیگری بود که راه را به تدریج گشود و برای پیامبر فرصت سازی نمود تا خود و آیین آسمانی‌اش را در چشم انداز همگان قرار دهد. بانوی خردمند حجاز از جنبه‌های گوناگون در پیشرفت و استواری اسلام نقش سرنوشت سازی داشت.

۳.۲. مفهوم شناسی سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی از جمله دیدگاهها و تعاریف مختلف و متضادی پیرامون آن وجود دارد. در زبان‌های مختلف از ترکیب سبک زندگی در شکل‌های مختلف یاد شده است. آلمانی (lebensill)، در زبان انگلیسی به دو شکل (style of life/living) در گذشته و امروز بیشتر به صورت (life style) استفاده شده است (ر.ک. شکاری، ۱۳۸۹: ۵۳۸). این دو ترکیب از دو واژه سبک و زندگی تشکیل می‌شود. معنای لغوی واژه زندگی روشن است اما در لغت نامه‌ها معانی گوناگون برای واژه سبک درج شده است. به عنوان نمونه نوع روش و طرز شیوه (معین، ۱۳۸۵: ذیل واژه) و سبک اثاثیه، شکل دادن یا طراحی چیزی

مطابق با معیار شناخته شده، شیوه‌ای که برازنده و متناسب پنداشته می‌شود به ویژه در رفتار اجتماعی، نحوه عرضه، خاصه در موسیقی یا یکی از هنرهای زیبا و نیز شیوه مشخص تغییر در نوشتار یا گفتار. (آریان پور، ۱۳۸۹: ۱۴۳۷) سبک زندگی، روش سلوک در حیات فردی و اجتماعی و به بیان دیگر مجموعه منظم و به هم مرتبط از رفتارهای افراد در زندگی فردی و اجتماعی آنان که مبتنی بر برخی بینش‌ها و ارزش‌های برآمده از آنهاست (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۵۱). سبک زندگی عنوانی شناخته شده آن در دنیای علمی امروز، عبارتند از فعالیت‌های فیزیکی، اوقات فراغت، خواب و بیداری، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی، معنویت، ایمنی و آرامش و غیره، که هرکدام به منزله بزرگ راهی از راههای زندگی افراد شمرده می‌شود. سبک زندگی شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به وسیله آن پی می‌گیرد. با این بیان سبک زندگی شامل اموری می‌شود که زندگی انسان اعم از بعد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی مربوط می‌شود. منظور از سبک زندگی اسلامی شیوه زندگی فردی و اجتماعی است که همه یا بیشتر متدینین به اسلام یا قشر مؤثری از جامعه اسلامی به آن عمل می‌کنند و در رفتارشان منعکس است. (ر، ک؛ مصباح، ۱۳۹۲: ۶) زندگی انسان در سبک اسلامی یک زندگی دنیا و آخرتی است به این معنی که دنیا و آخرت را با هم و در کنار یکدیگر دارد، یکی مکمل دیگری است. این سبک باورش این است که تا دنیا را درست انجام ندهد به آخرت نخواهد رسید و اگر آخرت آباد می‌خواهد باید انسان شایسته‌ای در پیشگاه خدا باشد. در قرآن یکی از آیات این است «ربنا اتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره الحسنه». خدایا به من هم خوبی‌های دنیا و هم خوبی‌های آخرت را بده. در این پژوهش مبانی سبک زندگی را با توجه به رفتارهای فردی و خودسازی، عملکرد خانواده، امور اجتماعی تقسیم می‌کنیم. چون هر شخصی در زندگی خود دارای هویتی است یا به عبارت دیگر هویتش در چند جای نشان داده می‌شود. یکی به صورت فردی است که انسان هر جای عالم باشد بین خود و خدای خود ارتباطی دارد که آن را جز مسائل فردی می‌دانیم.

هویت دوم شخص به عنوان یک عضو خانواده است که در آنجا ارتباطات و مسئولیتها و فعالیت‌های جدیدی پیدا می‌کند. هویت سوم نیز هنگامی است که شخص به عنوان یک عضو در اجتماع قرار می‌گیرد. افراد در جریان تعامل با سایرین و درک موضوعات گوناگون به آگاهی اجتماعی خود افزوده و از این طریق مهارت‌های اجتماعی لازم را جهت اقدام در عرصه‌های اجتماعی به دست می‌آورند و همچنین نوع برخورد فرد با طبیعت نیز می‌تواند نشان دهنده هویت وی باشد.

رفتارهای فردی و خود سازی منظور از گرایش ارزش‌ها و اخلاقیاتی است که به سلیقه و توانایی افراد در زندگی فردی شان جهت می‌دهد و ضمن شکل دهی به اخلاقیات و رفتارهای آنان بر سبک زندگی آنها تأثیر می‌گذارد. در حقیقت در این سطح مطلوب بودن هر چیزی در فرهنگ اسلامی براساس نقشی تعریف می‌شود که در سعادت انسان و نزدیکی او به خدا تأثیر دارد.

۳. ۲. ۱. منزلت خدیجه نزد پیامبر

به گواه تاریخ، پیامبر تا آخرین روز زندگی خود با گفتار و کردار خود برای اعتلای نام خدیجه تلاش و قاطعانه از جایگاه او دفاع کرد.

پیامبر فرمود: «به خدا قسم خدا بهتر از او را به من نداده است. آن گاه ایمان آورد که مردم نبوت مرا انکار کردند، زمانی مرا تصدیق کرد که مردم تکذیب کردند و در آن هنگام که مردم مرا از دارایی شان محروم کردند، مرا با دارایی پشتیبانی کرد و خداوند فرزندان مرا از او روزی ام کرد (ابن عبدالبر، ج ۴: ۱۸۲۴-۱۸۲۳). پیامبر برای تأکید بر جایگاه سترگ حضرت خدیجه دوستان او را نیز گرامی می‌داشت. نقل شده که پیامبر با آمدن دوستان خدیجه خوشحال می‌شد و می‌فرمود: او در زمان حیات خدیجه به ما سر می‌زد. پیامبر همواره گوسفندی را قربانی و مقداری از آن را برای دوستان خدیجه می‌فرستاد. هدایایی را که به حضرت پیشکش می‌کردند برای دوستان خدیجه می‌فرستاد و می‌فرمود این بانو دوست خدیجه بود و خدیجه را دوست می‌داشت (همان: ج ۴: ۱۸۱۱).

۳. ۲. ۲. زاهده و عابده روزگار

پیامبر (ص) مریم را برترین زن بنی اسرائیل و خدیجه (س) را برترین زن اسلام معرفی فرمود. خداوند مریم را از قانتان که همواره در حال بندگی خدا هستند شمرده و او را به دلیل بریدن از وابستگی به دنیا برای عبادت خدا برگزیده است (طوسی ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۴۵۶). بی تردید راز تشبیه این دو بانوی بزرگ به یکدیگر کمالات و شایستگی‌های آنان است. بدون شک پس از فاطمه علیها السلام، خدیجه علیها السلام سرآمد زنان عابده امت اسلامی است. حضرت خدیجه به همراه پیامبر در مسجدالحرام به نماز ایستاد. او نخستین بانویی است که به اسلام گرویده است و پس از پذیرش اسلام، تمامی ثروت و دارایی خود را در خدمت به اسلام و مسلمانان مصرف نمود. خدیجه در دوران جاهلیت و دوران پیش از ظهور اسلام نیز به پاکدامنی مشهور بود؛ تا جایی که از او به طاهره (پاکیزه) یاد می‌شد و او را بزرگ زنان قریش می‌نامیدند.

و به (کبری) ملقب گردید و چون در فضایل و کرامات انسانی سرور زنان عصر خویش بود به او (سیده نساء قریش) می گفتند و پس از اسلام به دلیل سبقت در پذیرش اسلام و ایثار اموال خود در راه اسلام و دهها فضیلت دیگر از سوی رسول خدا به لقب (سیده نساء العالمین) مفتخر شد.

۳.۲.۳. پیشگامی در نماز؛ ابن اثیر در اسدالغابه داستانی از عقیف کندی نقل می کند که نشانگر پیشتازی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در نماز است. عقیف کندی می گوید: در زمان جاهلیت وارد مکه شدم و میزبانم عباس بن عبدالمطلب بود، ناگاه دیدم که مردی آمد و در برابر کعبه ایستاد، سپس پسری را دیدم که در طرف راست او قرار گرفت، و پس از آن زنی را دیدم که پشت سر آنها ایستاد و این دو نفر به پیروی از آن مرد رکوع و سجود می کردند. جریان را از عباس پرسیدم. او گفت: آن مرد محمدبن عبدالله (صلی الله علیه و آله) است و آن پسر برادرزاده‌ی او و زنی که پشت سر آنهاست، خدیجه همسر محمد (صلی الله علیه و آله) است (ابن اثیر، بی تا، ج ۳: ۴۱۴)

۳.۲.۴. صبر و شکیبایی حضرت خدیجه در برابر مشکلات

پایداری قهرمانه و شکیب و وصف ناپذیر خدیجه در برابر توفان مشکلات، کارشکنی ها، زخم زبانها، تمسخرها، خشونت ها، تبعیدها، حصرها و رنج ها، پابه پای پیامبر، چیزهایی نیست که تاریخ و حافظه تاریخی پژوهشگران آنها را از یاد ببرد. چرا که این گام آن بانوی آزاده و تاریخ ساز در پیشرفت دین و نجات جامعه و مردم بود. سیمای درخشان خدیجه در آینه سخن و گستره دل بی کران و پرمعنویت پیامبر تماشایی است. خدیجه (س) همسر مهربان و با وفا و یاور صمیمی پیامبر بود. تاریخ جهان، زنی همانند خدیجه (س) که این گونه در راه خدا و رسیدن به اهداف مقدش شوهرش خدمتگزار باشد به خود ندیده است (میرشریفی، ۱۳۸۵: ۵۵)

از این رو آن حضرت پیوسته در تمام طول زندگانی خود، هنگامی که نام خدیجه به میان می آمد خاطره آن بانوی فداکار را به بزرگی یاد می نمود؛ تا جایی که دوستان حضرت خدیجه را تکریم می نمود و با فرستادن هدیه برای آنان، یاد آن بانو را در خاطره‌ها زنده نگاه می داشت (ابن حیان، ۱۴۱۴: ج ۱۵: ۴۶۷).

۳.۲.۵. امید و دلداری دادن به پیامبر

امید و نوید دادن خدیجه به محمد در سخت ترین شرایط، دلداری دادن به او در برابر فشارها و احساس دلتنگی ها، زدودن گرد و غبار غم و اندوه از گستره دل بی کران پیامبر با ظرافت و درایت و ایمان به خدا، گام دیگر خدیجه در این راه بود.

حضرت خدیجه یکی حامیان اصلی در ترویج دین مبین اسلام بود. وی سخت ترین مشکلات و مصیبت‌ها و سختی‌ها را به خاطر حفظ ایمان به خدا و دفاع از اسلام و پیامبر اکرم تحمل کرد و هر روز گامی تازه در نیل به اهداف عالی اسلام برداشت. وقتی که وحی بر پیامبر نازل شد، پیامبر نگران برخورد مردم و عدم پذیرش از جانب آنها بود؛ خدیجه (س) برای این روح بزرگ و نگران مانند فرشته رحمت بود. نگاهی از روی احترام به او می‌کرد و می‌گفت: شادباش و پایدار به خدایی که جان خدیجه در دست توست. من امید دارم که تو پیغمبر این امت باشی. خدای متعال تو را خوار نخواهد کرد، تو با خویشان نیکی می‌کنی، راست می‌گویی، رنج می‌بری، از مهمان پذیرایی می‌کنی و از تحمل زحمت در راه حق باک ندار (ابن هشام، ۱۳۹۲: ۲۲۹)

۳.۲.۶. همراهی با پیامبر

شرکت مستقیم در مبارزه بزرگ اسلام با کفر، آزادی با استبداد، عدالت با بیداد، برابر خواهی با برتری جویی، زندگی خواهی با مرگ اندیشی، استقلال طلبی با تحمیل انزوا و تحقیر و زندگی وابسته گرایانه و طفیلی به زن، آن گاه نثار ثروت و امکانات و موقعیت و جایگاه و آسایش رفاه و جان و هستی در راه خدا و آزادی و رستگاری بندگان، کار سترگی است که در عالم زنان تنها از آن بانوی بزرگ و آزاده و عدالت خواه میسر بود و بس.

درست از این زاویه است که پیامبر همواره او را یار و همپایی بی بدیل عنوان می‌داد. تا در دنیا بود به او و نام و یاد و هر آن کس و هر آنچه نشان از او داشت بسیار احترام می‌کرد. او را بانوی خرد و کمال، سرمشق ایمان و پروا، آراسته به ارزشهای انسانی و معنوی، نمونه آزادگی و سمبل حق طلبی و سالار زنان کمال جو و رشد یافته خواند و از جانب خدا به او درود و سلام آورد (مجلسی، ۱۳۱۵، ج ۱۶: ۱۱۲) و

بهشت پر طراوت خدا را در شوق و شور دیدار و ورود او وصف نمود (شوشتری، ۱۴۰۴ق. ج ۱: ۹۹) که خدا بر فرشتگانش از ایمان و ایثار و اخلاص و فداکاری او مباحث می‌کند (مجلسی، ۱۳۱۵ق، ج ۱۶: ۷۸).

«علامه طبرسی» می‌نویسد: خدیجه و ابوطالب، دو یار پراعتبار و دو پشتیبان راستین پیامبر، هر دو در یک سال جهان را بدرود گفتند و بدین سان پیامبر گرامی، هدف دو فاجعه و دو مصیبت قرار گرفت. مصیبت مرگ ابوطالب و اندوه خدیجه! و این در حالی بود که خدیجه وزیر راستین اسلام و مشاور خردمند و شجاع پیامبر بود و آن حضرت به یاری و حمایت بی دریغ و شجاعانه اش بر انبوه مشکلات و موانع چیره می‌شد و با مهر و صفای وصف ناپذیر او آرامش می‌یافت (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ج ۱: ۱۳۲).

۴. نتیجه‌گیری

از مباحث گفته شده چنین در می‌یابیم که:

- سبک زندگی مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان یافته است که متأثر از باورها، ارزشها و نگرشهای پذیرفته شده فرد یا گروهی است. دین مبین اسلام به عنوان کامل ترین دین الهی، فرمانها و توصیه‌های قابل توجهی در زمینه تربیت انسان دارد. سبک زندگی مقوله‌های فردی و جمعی است به بیان دیگر هم می‌توان در سطح فردی یافت و مطالعه کرد و هم در سطوح اجتماعی.
- نظام اخلاقی اسلام همه عرصه‌های حیات انسان را در بر می‌گیرد. برخی از ادیان جهان نظام اخلاقی خود را به تنظیم بخشی از روابط انسان محدود کرده اند، این ویژگی تکلیف اخلاقی افراد را در عرصه‌های دیگر نامعلوم می‌گذارد. در حالی که اسلام به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد و تمامی روابط انسان را تحت پوشش هدایت اخلاقی خود می‌گیرد.
- پاک سرشتی، حق‌گرایی و اشتیاق به کمال و رشد فکری و دینی از ویژگی‌های خدیجه بود. از همان روزگار جوانی از دختران نام دار عرب و با فضیلت حجاز به شمار می‌رفت. اولین زن توانمند مسلمان است که در تجارت درخشید و در این راه شهرت منطقه‌ای به دست آورد. این بانوی بزرگ نه تنها انسانی پیش تاز و رشد یافته و آراسته به جمال و کمال و دارای خرد و روحی بزرگ بود که گویی فرشته‌ای باشکوه در سیمای انسانی جلوه یافته بود. در کارهایش خردمندان و مدیرانه عمل می‌کرد. در پرتو استقلال فکر و عمل و اعتماد به نفس خویش می‌زیست و به برکت هوش و فراست خویش چرخ‌های امور اقتصادی و بازرگانی خود را به

حرکت در می آورد. دارایی سرشارش را به شوهر گران قدر خود حضرت محمد(ص) بخشید تا به هر صورت که صلاح می داند مصرف کند و بدون تردید دارایی هنگفت و سرمایه عظیم او به عنوان بانویی فداکار در پیشرفت و استواری اسلام موثر بود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، (۱۳۸۹)، قم: چاپ اسوه.
- ۱. ابن اثیر، علی بن محمد، *اسدالغابه فی معرفه الصحابه*، ج ۴، بیروت: داراحیاء.
- ۲. ابن جوزی، ابوالفرج جمال الدین، (۱۴۰۷/۱۹۸۷م)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت: بی نا.
- ۳. ابن حبیب بغدادی، (۱۴۰۵ق)، *المنمق فی اخبار قریش*، محقق: خورشید احمد فاروق، بیروت: عام الکتب.
- ۴. ابن حجر عسقلانی، (۱۴۰۴ق)، *تهذیب التهذیب*، بیروت: دارالفکر.
- ۵. ابن حیان، (۱۴۱۴)، *صحیح بن حیان بترتیب ابن بلبان*، ج ۱۵، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ۶. ابن درید ازدری، (۱۹۸۷م)، *جمهره اللغه*، محقق: رمزی منیر بعلبکی، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۷. ابن عبدالبر قرطبی، (۱۴۱۲ق)، *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*، بیروت: دارالجبل.
- ۸. ابن قتیبه دینوری، (بی تا)، *الجرائیم*، محقق: محمدجاسم الحمیدی، دمشق: وزارت فرهنگ.
- ۹. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، (۱۳۹۲)، *السیره النبویه*، تهران: انتشارات مولی.
- ۱۰. آریان پور، منوچهر، (۱۳۸۹)، *فرهنگ پیشرو آریان پور*، تهران: جهان رایانامه امین.
- ۱۱. بابانی بغدادی، (بی تا)، *هدیه العارفین اسماء المؤلفین و آثار المصنفین*، بیروت: دار احیاء.
- ۱۲. بلاذری احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، *جمل من انساب الاشراف*، ج ۱، بیروت: دارالفکر.
- ۱۳. راوندی، قطب الدین، (۱۴۰۹ق)، *الخرائج و الجرائح*، قم: مؤسسه امام مهدی (عج).
- ۱۴. سبحانی نژاد، نجفی، مهدی، حسن، (۱۳۹۳)، «*تحلیل ابعاد شناسایی مسئولیت پذیری در سبک زندگی اسلامی*»، سراج منیر، سال ۵، شماره ۱۶، صص ۱۷۰-۱۵۰.
- ۱۵. شریعتی، سید صدرالدین، (۱۳۹۲)، «*در آمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات*»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۹۲، صص ۱۰-۲.

۱۶. شکاری، رقیه، (۱۳۸۹)، فرهنگ علوم اجتماعی. تهران: جامعه‌شناسانه.
۱۷. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، (۱۴۰۴ق)، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم: مکتبه آیت الله المرعشی.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۷ق)، اعلام الوری، ج ۱، بی‌جا.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم: دارالثقافه.
۲۰. فقیهی، نجفی، علی نقی، حسن، (۱۳۹۴)، «سبک ائمه و پیامبر در مواجهه با دیگران»، سراج منیر، سال ششم، شماره ۱۹، تابستان ۹۴، ص ۱۵۸-۱۳۸.
۲۱. کربلایی، (بی‌تا)، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۲۲. کرمی فریدنی، علی، (۱۳۸۳)، فروغ آسمان حجاز خدیجه (س)، قم: ثامن الحجج.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۱۵ق)، بحار الانوار، ج ۱۶، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: دار الاحیاء.
۲۵. مصباح، محمدتقی، (۱۳۹۲)، سبک زندگی اسلامی، «ضرورت و کاستی‌ها»، ماهنامه معرفت، شماره ۱۸۵، صص ۵-۱۲.
۲۶. معین، محمد، (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی معین تهران: امیرکبیر.
۲۷. مقریزی، احمد بن علی، (۱۴۲۰ق)، امتاع الاسما بمالنبی من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع، محقق النمیسی، بیروت: دارالکتب.
۲۸. مهدوی کنی، محمدسعید، (۱۳۹۰)، دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام جعفر صادق، میرشریفی، سیدعلی، (۱۳۸۵)، پیام‌آور رحمت، انتشارات سمت.